

اثر بخشی مالیات بر نابرابری و توزیع درآمد در ایران

میررستم اسدا...زاده بالی *

تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۸۷/۴/۳۰

چکیده:

یکی از وظایف اصلی دولت ها در تمامی اقتصادها فراهم نمودن زمینه های لازم برای حصول عدالت اقتصادی و به تبع آن، توزیع عادلانه درآمدها است و یکی از ابزارهای سیاستی جهت رسیدن به این مهم مالیات ها می باشد. بررسی تغییرات وضع رفاهی مردم در طول سال های مشخصی، امکان تجزیه و تحلیل نتایج سیاست های اقتصادی در آن دوره را فراهم می سازد. در این تحقیق به بررسی اثر مالیات بر توزیع درآمد طی دوره (۸۴-۱۳۵۳) پرداخته شده است. بدین نحو که ابتدا عوامل موثر بر نابرابری و وضعیت توزیع درآمد طی دوره مورد نظر توضیح داده شده و سپس با استفاده از اقتصادسنجی و با روش OLS تاثیر مالیات ها بر شاخص توزیع درآمد (ضریب جینی) بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که با افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و کاهش نرخ مالیات مستقیم به مالیات غیرمستقیم ضریب جینی بهبود می یابد.

واژگان کلیدی:

ضریب جینی، توزیع درآمد، مالیات

* کارشناس ارشد اقتصاد؛ رئیس گروه مطالعات اقتصادی دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی

۱- مقدمه

برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فقر گسترده و پائین بودن سهم درآمد فقرا مورد توجه خاصی قرار گرفته است. با افزایش بین المللی مناسبات، نااطمینانی های ناشی از این مناسبات افزایش یافته و برخی شواهد نشان دهنده اختلافات درآمد در دهه های اخیر، علاقه اقتصاددانان را به موضوع توزیع درآمد، تغییرات آن و عوامل مؤثر بر آن، تشدید کرده است و موجب گردیده تا اقتصاددانان به سیاست های مالی، سیاستهای مالیاتی و سیاستهای انتقالی به عنوان ابزار توزیع مجدد درآمد بپردازند.

در نظر گرفتن نقش بیشتر برای سیاستهای مالیاتی و انتقالی در کشورهای در حال توسعه اغلب مورد مجادله است. تقابل بین مالیاتهای تصاعدی، سیاستهای انتقالی و توزیع درآمد، به دلیل وجود یک رشته عوامل که منحصر به کشورهای در حال توسعه است، پیچیده شده اند. دلیل این پیچیدگی ضعیف بودن شاخص های مالی این کشورها است.

این شاخص ها عبارتند است: پائین بودن نسبت T/GDP ، حاکمیت ضعیف دولت، گسترده بودن فرار مالیاتی، رجحان مالیاتهای غیرمستقیم و محدود بودن اقلام مالیات بر سرمایه و ثروت، نقش محدود پرداختهای انتقالی و سیاستهای حمایت اجتماعی. وجود این شاخص ها، توانایی سیاستهای مالیاتی را در توزیع درآمد دچار ابهام می کند.

باید به این نکته توجه داشت که در کشورهای در حال توسعه، فقرا به ندرت مالیات بر درآمد می پردازند و مخارج آموزشی و بهداشتی و دیگر حسابهای پرداختی انتقالی، سهم بزرگی از بودجه را شامل می شود. عده ای بر این عقیده اند که طرف مخارج بودجه باید به عنوان ابزار مقدماتی توزیع درآمد در نظر گرفته شود (تانزی ۱۹۹۸). مهمترین نقش سیاست مالیاتی به عنوان ابزار توزیع مجدد باید تأمین درآمد به منظور تأمین مالی مؤثر مخارج خاص فقرا و دیگر مخارج اسمی دولت باشد. سیستم مالیاتی باید دارای پایه گسترده و معافیت های محدود باشد

۲- بیان مسئله و ادبیات نظری:

دراکثر کشورهای جهان، مالیات نه تنها به عنوان مهمترین منبع درآمد دولت ها، بلکه از دیدگاه کلان و خرد دارای اهمیت گسترده می باشد. از دیدگاه کلان، مالیات ها یکی از عمده ترین ابزار سیاست های اقتصادی دولت محسوب شده و از نظر تحلیل خرد نیز با دارا بودن دو اثر عمده تخصیص و توزیع حائز اهمیت است. از این رو، در این مطالعه برآنیم تا اثر توزیعی مالیات را در کشور بررسی نماییم. یکی از وظایف دولت ها توزیع درآمد و ثروت بین گروه های مختلف جامعه و برقراری عدالت در جامعه است. لذا، شاخص های توزیع درآمد به عنوان ابزاری موثر و کارساز برای بهینه سازی سیستم اقتصادی، درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را تشریح و تبیین می نماید.

هنگامی که در اقتصاد بحث توزیع و نظریه های مربوط به آن مطرح می شود باید بین دو دسته از نظریه های مربوط به توزیع درآمد تفاوت قائل شد، توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید و توزیع درآمد شخصی. در این قسمت به توضیح این دو دسته از نظریه ها توزیع خواهیم پرداخت.

• توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (توزیع تابعی درآمد):

بر این اساس، سهم عوامل تولید از کل درآمد ملی توضیح داده می شود. مباحث نظری مربوط به بازار کار، سرمایه، منحنی های عرضه و تقاضا که قیمت واحد هر عامل تولیدی را تعیین می کند، از این مقوله می باشند.

• توزیع شخصی یا مقداری درآمد:

در توزیع شخصی، کل درآمدی که اشخاص و یا خانوارها دریافت می کنند از اهمیت برخوردار است و مبنای قرار و اینکه درآمد مزبور از چه منبعی کسب شده است مانند اشتغال، بهره، سود، اجاره، هدیه، ارث و یا هر طریق دیگری حائز اهمیت نیست. مباحث فقر، نابرابری های درآمد ملی و توزیع درآمد که در اقتصاد توسعه مطرح می شود عموماً از این مقوله هستند.

شاخصهای نابرابری درآمد

آمارتیا سن کلیه شاخص های نابرابری را به دو طبقه کلی به شرح زیر تقسیم می کند.

۱- شاخص هایی که سعی دارند میزان نابرابری را به مثابه یک مفهوم عینی اندازه گیری کنند مانند شاخص های واریانس، ضریب متغیر، ضریب جینی.

۲- شاخص هایی که می کوشند نابرابری را بر حسب یک مفهوم هنجاری از رفاه اجتماعی اندازه گیری کنند، به نحوی که درجه نابرابری، بیشتر منعکس کننده سطح پائین تر رفاه اجتماعی برای سطوح معینی از درآمد باشد، مانند شاخص اتکینسون.

قابل ذکر است، تمایز میان دو طبقه مزبور به طور کامل امکان پذیر نیست. برای مثال ضریب جینی که در طبقه اول معرفی شد، می تواند از یک رفاه اجتماعی خاص به دست آید و در طبقه دوم نیز قرار گیرد. در ادامه برخی از شاخص های معرفی شده به اختصار توضیح داده شده است.

• نسبت دهک ها :

یکی از معروف ترین شاخص های موجود برای نمایش نابرابری درآمد، دهک های هزینه ای است که از درک شهودی نابرابری درآمد به دست می آید. در این روش، نسبت دهک دهم به دهک اول یا نسبت دهک دهم به دهک اول و دوم معیاری از نابرابری درآمد در نظر گرفته می شود.

عموم مردم اختلاف درآمد اغنیاء و فقرا را ملاکی از اختلاف طبقاتی می دانند اگر اختلاف درآمد غنی ترین افراد و فقیرترین آنها افزایش یابد، بدین معنی است که نابرابری درآمد افزایش یافته است. این شاخص اگر چه به لحاظ سادگی کاربردی عام یافته است، اما غیر حساس بودن آن نسبت به توزیع میانی درآمد به عنوان عمده ترین نقص آن مطرح است.

• شاخص تایل:

این شاخص از مفهوم آنتروپی در نظریه اطلاعات استفاده نموده است. در ترمودینامیک، آنتروپی برای اندازه گیری بی نظمی به کار می رود و چون نابرابری درآمد نوعی بی نظمی در توزیع درآمد است، منطقی است که بتوان از آنتروپی برای اندازه گیری نابرابری درآمد استفاده نمود که تایل چنین کاری را انجام داده است.

• ضریب اتکینسون:

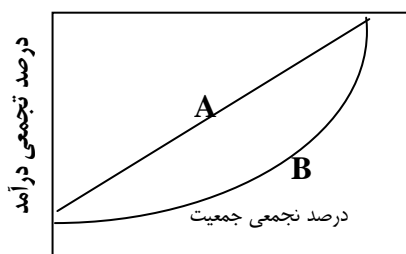
اتکینسون این شاخص را از یک تابع مشخص رفاه اجتماعی استخراج کرده و سعی نموده است مسائل مربوط به رفاه اجتماعی را در نابرابری درآمد وارد نماید. با این وجود، برای دستیابی به رفاه اجتماعی از حاصل جمع مطلوبیت تمام افراد جامعه استفاده کرده است. این ضریب نشان می دهد که جامعه چه میزان مایل است از کل درآمد خود، به منظور رسیدن به درآمدهای برابر از دست بدهد.

اتکینسون معتقد است که مطلوبیت افراد به دو عامل درآمد و اجتناب جامعه از نابرابری بستگی دارد بطوری که اگر فرض نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد صادق باشد، در نتیجه یک توزیع مجدد درآمد از ثروتمندان به فقرا، رفاه جامعه افزایش می یابد.

• ضریب جینی:

ضریب جینی یکی از متداول ترین شاخص های نابرابری درآمد است که نخستین بار توسط جینی در سال ۱۹۱۲ مطرح گردید. این شاخص از منحنی لورنز استخراج می شود.

منحنی لورنز درصد تجمعی درآمد را در برابر درصد تجمعی جمعیت نشان می دهد. برای مثال، هر نقطه روی این منحنی نشان می دهد که چند درصد از درآمد در اختیار چند درصد از افراد جامعه است. اگر توزیع کاملاً برابر باشد منحنی لورنز کاملاً بر قطر مربع منطبق می گردد و اگر نابرابری افزایش یابد، منحنی لورنز به سوی پایین خمیده می شود.



در این شاخص، میزان نابرابری از طریق اندازه گیری مساحت میان منحنی لورنز و قطر مربع بیانگر است. بدین نحو که، هر چه این مساحت افزایش یابد نابرابری خواهد یافت. براین اساس، شاخص ضریب جینی به صورت زیر تعریف می شود:

سابقه موضوع تحقیق:

رسول ناصری (۱۳۷۳)^۱ با توجه به نقش مالیات به عنوان یکی از ابزارهای دولت در راستای تعدیل توزیع درآمد، رابطه تک تک انواع مالیات‌ها را با انواع شاخص‌های نابرابری بررسی نموده است. نتایج حاکی از آن است که مالیات می‌تواند شاخص‌های نابرابری در توزیع درآمد را بهبود ببخشد. اثر "مالیات بردرآمد" و "مالیات بر مصرف" روی ضریب جینی معکوس و اثر "مالیات بر شرکت‌ها" روی ضریب جینی مثبت می‌باشد.

اسمعیل ابونوری (۱۳۷۶) در مقاله‌ای با استفاده از اطلاعات و آمار سال‌های ۷۰-۱۳۵۰ اثر متغیرهای مهم اقتصادی مانند بهره‌وری کار، نسبت اشتغال، تورم، پرداخت‌های انتقالی به هر خانوار و هزینه دولتی برای هر خانوار را بر توزیع درآمد مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که افزایش اشتغال و بهره‌وری نیروی کار سطح نابرابری توزیع درآمد را کاهش و در مقابل افزایش هزینه‌های دولت و مالیات‌ها، سطح نابرابری را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، افزایش تورم و سهم درآمد شخصی از تولید ناخالص ملی نیز سطح نابرابری را افزایش می‌دهد.

حسن زیبایی^۱ در تحقیق خود ضمن ارائه یک الگوی اقتصادسنجی رفتار شاخص‌های نابرابری (ضریب جینی، نسبت دهک پایینی به دهک بالائی و نسبت بیست درصد پایینی به بیست درصد بالایی) و شاخص رفاه اجتماعی را طی دوره زمانی (۱۳۵۰-۱۳۸۱) بررسی نموده است. نتایج حاصل از مدل حاکی از آن است که در بلندمدت با افزایش بهره‌وری نیروی کار و اصلاح نرخ واقعی ارز در کشور باعث بهبود توزیع درآمدها و کاهش نابرابری می‌شود در حالیکه تورم و بیکاری به صورت یک مالیات نزولی^۲ عمل کرده و منجر به بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد می‌شود. علاوه بر این، افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه باعث بهبود رفاه اجتماعی می‌گردد در حالیکه تورم و بیکاری اثری منفی بر رفاه اجتماعی دارد.

۱- ناصری گل‌عزانی، رسول. "نقش مالیات در توزیع درآمد در خصوص ایران از سال (۷۰-۱۳۵۰)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۱- زیبایی، حسن (۱۳۷۹)، "ارزیابی سهم عوامل تعیین کننده نابرابری و توزیع درآمد در ایران" مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۱، ص ۲۹.

2 - Regressive Tax

علی تاجدین (۱۳۷۶)^۳ به منظور بررسی اثر مستقیم تورم بر نابرابری و توزیع درآمد در مناطق شهری و روستائی از ز اطلاعات مقطعی نتایج تفصیلی بودجه خانوارها استفاده نموده است. نتایج حاکی از آن است که طی سال‌های (۶۱-۱۳۷۳) تورم در مناطق شهری سبب افزایش نابرابری درآمد شده و در مناطق روستائی عموماً نابرابری را کاهش داده است. بیشترین اثر تورم در مناطق شهری و روستائی روی سهم هزینه بیست درصد اول بوده است در حالیکه کمترین اثر تورم در مناطق شهری و مناطق روستائی به ترتیب روی سهم هزینه بیست درصد سوم و بیست درصد چهارم بوده است.

عیسی درویشی (۱۳۷۵)^۴ در تحقیق خود اثر نابرابری بخشی را بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از اطلاعات مقطعی نتایج تفصیلی بودجه خانوارها بر حسب گروه‌های هزینه‌ای در دوره (۱۳۵۰-۱۳۷۳) مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق ضرایب جینی بیست و چهار سال در مناطق شهری و روستائی با استفاده از الگویی پیشنهادی و به تفکیک هر یک از بخش‌ها برآورد شده است. نتایج حاکی از آن است که توزیع هزینه در بخش کشاورزی در دو منطقه شهری و روستائی از روند با ثبات برخوردار بوده است. توزیع هزینه در بخش صنعت روستائی از توزیع هزینه در بخش صنعت منطقه نسبت به سایر بخش‌ها از نوسان زیادی برخوردار است. توزیع هزینه بین خانوارهای بخش سایر در هر منطقه نابرابرتر از دیگر بخشهای اقتصادی بوده است. علاوه بر این، یافته‌های حاصل از اثر نابرابری‌های درون بخش‌ها بر نابرابری هر یک از مناطق شهری و روستائی حاکی از آن است که در مناطق شهری و روستائی به ترتیب اثر نابرابری در بخش صنعت و کشاورزی بر نابرابری کل شهری و روستائی بیشتر از دیگر بخش‌ها بوده است.

علی حسین صمدی (۱۳۸۱)^۱ در تحقیق خود شناخت عوامل افزایش دهنده یا کاهش دهنده میزان نابرابری (و نه تنها سهم آنها از کل نابرابری) و توضیح دلایل بهبود آن در طول زمان از طریق شناسایی مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن را مد نظر قرار داده و برای رسیدن به این هدف، از شیوه و فن تجزیه

۳- تاجدین، علی (۱۳۷۶)، "اثر تورم بر توزیع درآمد در ایران طی سال‌های (۱۳۵۱-۱۳۷۳)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۴- درویشی، عیسی (۱۳۷۵). بررسی و تحلیل اثر نابرابری اقتصادی بخشی بر توزیع درآمد در ایران. پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه مازندران.

۱- صمدی، علی حسین، (۱۳۸۱) "شناسایی مهم ترین منابع افزایش دهنده نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستائی ایران: تجزیه ضریب جینی (۱۳۷۰ و ۱۳۷۵)" مجله برنامه و بودجه، سال هفتم شماره ۲.

ضریب جینی از طریق عوامل درآمدی پیشنهادی یائو (۱۹۹۷) و اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ از مناطق شهری و روستایی استفاده کرده است. نتایج حاکی از آن است که نابرابری توزیع درآمد در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ بهبود پیدا کرده ولی دلایل آن در مناطق شهری و روستایی متفاوت بوده است. همچنین عوامل افزایش‌دهنده و کاهش‌دهنده در مناطق شهری و روستایی، متفاوت بوده و در طول زمان تفاوت چندانی نکرده است.

عوامل مهم موثر بر نابرابری

در این بخش به عوامل موثر بر توزیع درآمد اشاره خواهیم کرد اما شاید بتوان از عوامل موثر در کاهش ضریب جینی، امکان استفاده از آموزش مناسب و خدمات عمومی دانست. همچنین سیاستهای دولت در شفاف کردن قیمت‌ها و تورم که علت اصلی آن سیاستهای انبساطی دولت بوده، از عوامل کلان موثر در تغییر وضعیت توزیع درآمد می باشند.

تجربه کشورهای مختلف در خصوص نابرابری درآمد نشان می دهد که عوامل گوناگون می تواند در ایجاد نابرابری توزیع درآمد موثر باشند که در اینجا به اختصار آورده می شوند:

۱- سیاست های اقتصادی

سیاستهای مختلف اقتصادی کشور از جمله سیاستهای مالی و پولی می تواند در افزایش نابرابری سهمیم باشند. برای مثال، افزایش تعداد مشاغل پایین، کاهش کمک های انتقالی دولت، افزایش نرخ بهره و پائین آوردن نرخ مالیات بر درآمد باعث کاهش سهم درآمدی گروه های پایین درآمدی و افزایش نابرابری توزیع درآمد به نفع گروههای بالای درآمدی شود.

اختصاص بعضی از سیاست های اقتصادی نامناسب در کشورهای مختلف از جمله سیاست های قیمت گذاری محصولات کشاورزی و کالاهای مصرفی و همچنین وجود نظام های مختلف حمایت و یارانه های بدون هدف در کشورهای در حال توسعه نه تنها توزیع درآمد را متعادل تر نکرده است، بلکه نابرابری توزیع درآمد را در این کشورها افزایش داده است.

۲- ساخت بازار

مقدار قابل توجهی از نابرابری درآمد را می توان به عملکرد اقتصاد مبتنی بر بازار در خصوص تولید و توزیع دانست. بر اساس نظریات اقتصاد خرد، مهمترین عامل تعیین کننده توزیع در نظام بازاری، ارزش تولید نهایی عوامل تولید است، بنابراین، نظام بازاری با توجه به قوانین مختلف حاکم بر آن باعث ایجاد نابرابری توزیع درآمد می شود.

۳- نوع درآمد

یکی از منابع و عوامل ایجاد نابرابری درآمدی چگونگی کسب آن توسط افراد است، برای مثال درآمدهایی چون بهره، سود سهام، منافع سرمایه ای، ارث و غیره می توانند در ایجاد نابرابری درآمد افراد تاثیر داشته باشند، حتی اگر این گونه درآمدها نیز به طور مساوی میان افراد تقسیم شود، باز هم نابرابری درآمدی ناشی از کار وجود خواهد داشت، زیرا افراد مختلف به علت برخورداری از شرایط نامساوی مانند تفاوت توانایی ها، مهارت ها، نوع شغل، تمایل به کار، ریسک پذیری، میزان تحصیلات و غیره با نابرابری درآمد ناشی از کار مواجه می شوند.

۴- شرایط توسعه اقتصادی

مطالعات انجام شده توسط بانک جهانی و برخی از محققین بر این موضوع تاکید ورزیده اند که بیشترین نابرابری توزیع درآمد مربوط به کشورهای است که از نظر توسعه اقتصادی در حال صنعتی شدن هستند به عبارتی کشورهای با درآمد متوسط به خصوص کشورهای آمریکای لاتین به شدت از نابرابری توزیع درآمد رنج می برند. به نظر می رسد توسعه اقتصادی در ابتدا به صورت موقت باعث افزایش نابرابری می شود و پس با افزایش سهم درآمد نیروی کار به تدریج نابرابری در اقتصاد کاهش می یابد.

۵- تبعیض

مساله تبعیض نژادی و تبعیض جنسی از دیگر عوامل نابرابری درآمد به شمار می رود. شواهد تاریخی نشان می دهد، برخی از افراد به دلیل تبعیض نژادی از دست یافتن به بعضی از مشاغل پر درآمد، محروم شده اند و در نتیجه درآمد گروه های مختلف اقلیت، در سطح پائینی قرار بگیرند. همچنین پرداخت مزد کمتر به زنان در بازار کار، عامل دیگری برای افزایش نابرابری توزیع درآمد است. برای مثال، افزایش

خانوارهای با سرپرست زن به عنوان یکی از عوامل نابرابری در بسیاری از کشورهای جهان به شمار رفته است.

توزیع درآمد در جهان

طی پنجاه سال گذشته تاکنون GDP واقعی جهانی هفت برابر و GNP سرانه واقعی ۳ برابر شده است اما ثمره چنین رشد اقتصادی به طور مساوری تقسیم نشده است. در خلال سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ شکاف میان کشورهای صنعتی (OECD) و بقیه جهان تا میزان ۶۰ درصد افزایش یافته است. (World Bank 1992: صص ۲۱۸-۲۱۹)

دهک ثروتمند کشورهای جهان هم اکنون ۵۰ برابر دهک فقیر درآمد دارد. همزمان با رشد نابرابری جهانی، مشاهده می شود که در داخل کشورها نیز نابرابری گسترده شده است. دی کارسیا و جانسون (۱۹۹۸) عنوان نموده اند که در ۸۳ کشور فقیر تر دنیا، تقریباً ۳ درصد از افراد جامعه مالک ۸۰ درصد از زمینها هستند. شدت نابرابری و اثرات آن در مناطق مختلف جهان متفاوت است. شدت نابرابری کشورهای صنعتی غربی بسیار کمتر از بقیه جهان است. کشورهای ثروتمند عموماً به عنوان کشورهایی که دارای نابرابری کمتری هستند شناخته شده اند اما واقعیت غیر از این مطلب می باشد.

از ابتدای دهه ۱۹۸۰ با افزایش تجارت و سرمایه گذاری و پیشرفت تکنولوژی تقاضا برای نیروی کار غیر ماهر کاهش یافته و موجب کاهش دستمزدهای آنها شده است، در نتیجه نابرابری درآمدی در آنها افزوده شد است. بررسی ها نشان می دهد که در آمریکا در سال ۱۹۷۰ ضریب جینی حدود ۰/۳۹۴ و در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به ترتیب برابر ۰/۴۰۳ و ۰/۴۲۸ بوده است. در سال ۱۹۹۵ ایالات متحده در میان کشورهای OECD بیشترین نابرابری درآمدی را تجربه نموده است. این روند در ژاپن نیز مشاهده می شود. افزایش نابرابری در کشورهای صنعتی طی سال های اخیر اثرات زیان باری را به همراه داشته است. در ایالات متحده این نابرابری درآمدی با افزایش نسبت فقرا همراه شده است. نسبت فقرا بر اساس آمارهای رسمی از ۱۱/۷ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۳/۱ درصد در سال ۱۹۸۸ و ۱۴/۲ درصد در سال ۱۹۹۸ رسیده است.

بررسی وضعیت توزیع درآمد در ایران

در این قسمت به بررسی وضعیت توزیع درآمد در ایران طی سال های (۵۳-۱۳۸۴) می پردازیم. در این بخش به معرفی آمار مورد استفاده و همچنین روند سهم دهک ها و ضریب جینی طی دوره مورد بررسی پرداخته و در ادامه برخی از عوامل موثر بر توزیع درآمد شناسایی و با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی بررسی و نتایج آن ارائه می گردد.

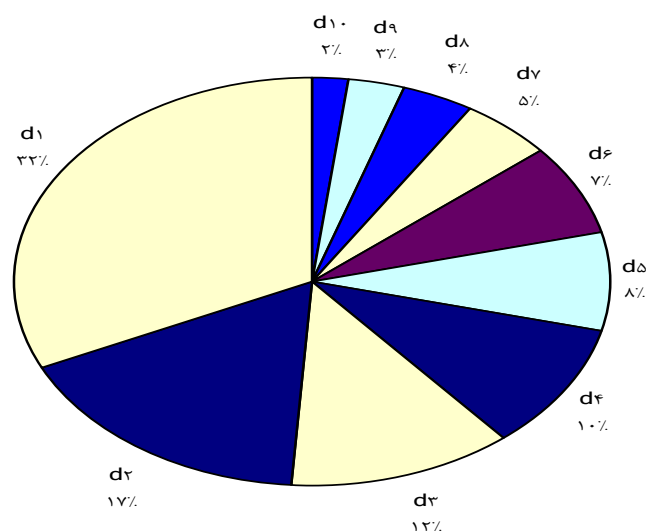
به منظور مطالعه وضعیت توزیع درآمد و مقایسه درآمد اقشار مختلف جامعه از شاخص نابرابری درآمد و نسبت سهم دهک ها استفاده می کنیم. ارقام مربوط به سهم دهک ها و ضریب جینی بر اساس بودجه خانوار از بانک مرکزی و هزینه ناخالص سرانه گروه های جمعیتی دهگانه از مرکز آمار ایران تهیه شده است. جدول شماره ۱ و ۲ سهم دهک های مورد مطالعه و میانگین رشد آنها را بین سال های ۱۳۵۳ و ۱۳۸۱ نشان می دهد.

جدول شماره ۱

شماره دهک	سهام دهک در سال ۵۳ (درصد)	سهام دهک در سال ۸۱ (درصد)
ضریب جینی	۴۹/۹	۴۱/۸
۱	۱/۳	۲/۱۴
۲	۲/۲	۳/۴۲
۳	۳/۳	۴/۳۹
۴	۴/۳	۵/۳۸
۵	۵/۶	۶/۴۹
۶	۶/۸	۷/۷۸
۷	۹	۹/۴۴
۸	۱۱/۴	۱۱/۸۲
۹	۱۷/۲	۱۵/۹۲
۱۰	۳۸/۹	۳۳/۲۳

همانطور که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، به غیر از سهم دهک اول و دوم که در سال ۸۱ نسبت به سال ۵۳ کاهش یافته، سهم بقیه دهک ها در طی ۲۹ سال افزایش یافته است و این نشان دهنده بهتر شدن وضعیت توزیع درآمد می باشد. نمودار ۱ نشان می دهد دهک اول درآمدی به طور متوسط بیشترین سهم و ۱/۳ هزینه ها را به خود در طی این ۲۹ سال اختصاص داده است در صورتیکه دهک دهم درآمدی (کم درآمدترین) فقط ۲٪ از سهم را شامل می شود.

نمودار ۱: متوسط سهم دهک ها

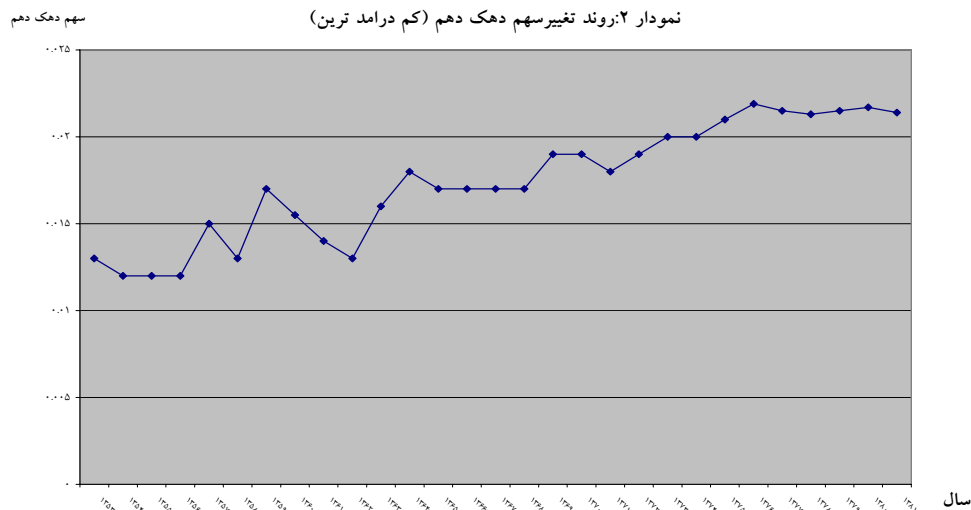


جدول شماره ۲ متوسط سهم دهک ها و نرخ تغییر در مقاطع زمانی خاص

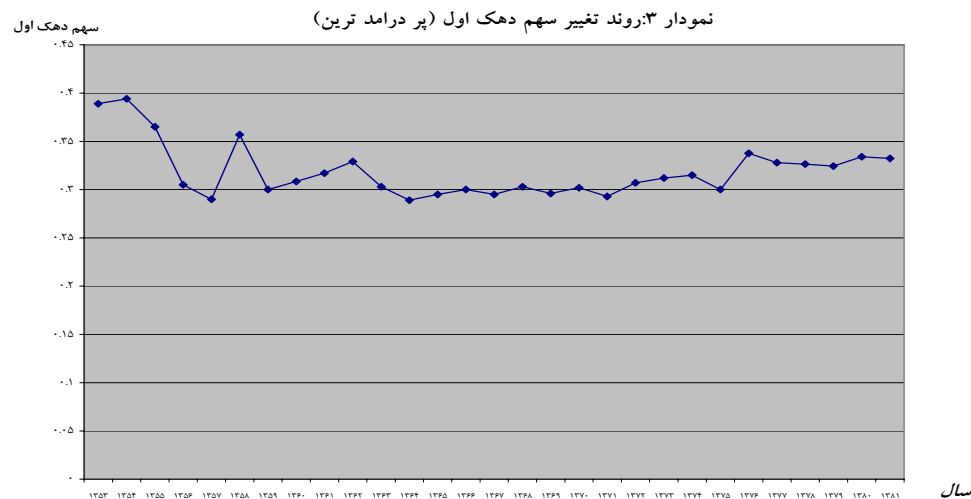
متوسط سهم سال	متوسط سهم ۶۸	متوسط سهم ۵۷	متوسط رشد ۵۳	متوسط سهم سال	متوسط سهم ۶۸	متوسط سهم ۵۷	متوسط سهم ۵۳	شماره دهک
۲۸	-۸۱	-۶۸	-۵۷	۲۸	-۸۱	-۶۸	-۵۷	ضریب جینی
۲۸	۶۸	۵۷	۵۳	سال	۶۸	۵۷	۵۳	
-0.65	0.17	-0.76	-2.8	43.7	40.6	41.9	48.5	
1.9	1.76	1.3	-2.6	1.8	2.02	1.6	1.225	۱
1.65	0.27	1.6	5.7	3.3	3.4	3.2	2.375	۲
1.1	0.16	1.6	2.9	4.5	4.5	4.4	3.425	۳
0.8	-0.17	1.7	3.7	5.6	5.6	5.5	4.475	۴
0.5	-0.35	1.2	2.3	6.9	6.8	6.8	5.8	۵
0.5	-0.49	0.5	2.8	8.3	8.1	8.3	7.15	۶
0.2	-0.66	0.4	1.8	10	9.8	9.7	9.075	۷
0.1	-0.54	0.1	3.4	12.9	12.2	13.0	11.85	۸
-0.3	-0.41	-2.3	8.1	17.3	16.1	16.8	18.3	۹
-0.6	0.70	0.2	-7.7	33.0	31.5	30.8	36.325	۱۰

آمارها حاکی از آن است که دهک دهم کم درآمدترین دهک جمعیتی می باشد، در بین سال های (۱۳۵۷-۵۳) با نرخ حدوداً ۲/۶ درصد در حال کاهش بوده، اما سهم این دهک با رشد حدود ۱/۹ درصد در سال، از ۱/۳ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲/۱۴ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده است. نمودار ۲ نشان می دهد که سهم اقشار کم درآمد طی این ۲۹ سال روند رو به رشدی داشته است.

در سال هایی که درآمد کشور در اثر افزایش قیمت نفت، رشد داشته است سهم این دهک کاهش یافته و با کاهش رشد اقتصادی سهم آنها با جهش به روند اصلی خود بازگشته است. سهم اقشار کم درآمد در سال های (۱۳۵۵-۵۳) به دلیل افزایش قیمت نفت، کاهش یافته ولی پس از آن شروع به افزایش نموده است.



روند تغییر سهم درآمدی دهک اول (پر درآمدترین) در نمودار ۳ آمده است. سهم این دهک درآمدی در بین سالهای ۵۳-۱۳۵۷ با نرخ حدوداً ۷/۷ درصد در حال کاهش، در سال های (۵۷-۱۳۶۸) به طور متوسط ۰/۲ درصد و در سالهای ۶۸-۱۳۸۱ به طور متوسط ۰/۷ درصد افزایش یافته است. سهم این دهک در سال ۵۳، برابر با ۰/۳۸۹ و در سال ۸۱ برابر با ۰/۳۳۲ می باشد که این نشان دهنده بهبود در توزیع درآمد می باشد. سهم این دهک درآمدی طی ۲۹ سال با نرخ ۰/۶ درصد در حال کاهش بوده است. نمودار ۳ نشان می دهد که در سال های (۵۳-۱۳۵۷) سهم این دهک بسیار بالا بود، شاید یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار را باید افزایش ناگهانی درآمدهای نفت دانست که باعث افزایش سهم این دهک درآمدی شده است، اما بعد از آن یعنی در سال های بعد از ۵۷، سهم این دهک درآمدی کاهش پیدا کرده و روند نزولی را طی کرده است.

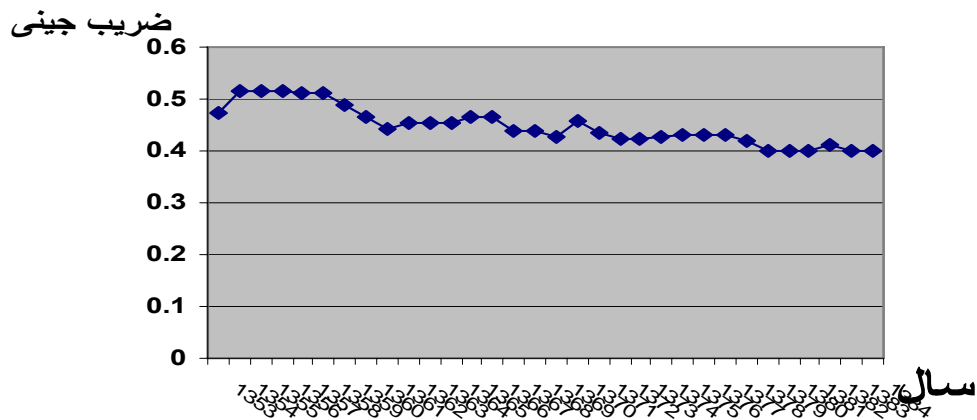


نتیجه این که بررسی روند تغییرات سهم دهک ها حاکی از آن است که در ۲۹ سال اخیر وضعیت توزیع درآمد به نفع اقشار کم درآمد جامعه بهتر شده است. ارقام جداول و نمودارها نشان می دهد که توزیع درآمد در جامعه شهری به طور متوسط رو به بهبود و بعد از سال ۵۷ روند سریعتری نسبت به بهبود توزیع درآمد قبل از سال ۵۷ داشته است.

شاید بتوان علت اصلی این اختلاف، یعنی بدتر بودن توزیع درآمد در سال های قبل از ۵۷ را افزایش ناگهانی تولید ملی ناشی از درآمد نفت و بهبود نسبی آن بعد از انقلاب در اثر تغییر در خط مشی های سیاسی و اجتماعی دانست.

نمودار ۴ روند تغییرات ضریب جینی را نشان می دهد. آمارها نشان می دهد که متوسط ضریب جینی در سال های مورد بررسی رو به کاهش بوده است. به طوریکه ضریب جینی در سال ۵۳ برابر ۴۹/۹ درصد و در سال ۸۴ برابر با ۴۰ درصد می باشد که این نشان دهنده بهبود در توزیع درآمد در طی این ۳۲ سال می باشد. ضریب جینی در طی سال های ۵۳-۵۷ رشدی متوسط برابر با $2/8-$ درصد داشته است و در سال های (۵۷-۶۸) متوسط رشدی برابر با $0/76-$ درصد و در سال های (۶۸-۸۱) رشدی متوسط برابر با $0/17$ درصد داشته است اما با این وجود آمارها نشان می دهد که ضریب جینی از سال ۷۵ تا ۸۱ دائماً در نوسان بوده و از سال ۸۱ به بعد با افزایش درآمد نفت ضریب جینی بزرگتر شده و توزیع درآمد بدتر شده است.

روند تغییرات ضریب جینی ۱۳۵۳- ۱۳۸۴



روش تحقیق و برآورد مدل:

مدل

برای بررسی عوامل موثر بر تغییرات ضریب جینی از الگوی زیر استفاده شده است:

(۱)

$$g_t = \alpha_0 + \alpha_1 r_t + \alpha_2 r_t d_t + \alpha_3 p_t + \alpha_4 S_{1t} + \alpha_5 S_{2t} + U_t$$

که در آن g ضریب جینی، T نسبت مالیات مستقیم به غیر مستقیم (درصد)، d نسبت مالیات غیرمستقیم به تولید ناخالص داخلی (درصد)، p نرخ تورم، S_1 نرخ ثبت نام در مدارس ابتدایی (درصد)، S_2 نرخ ثبت نام در مدارس متوسطه (درصد) است.

بررسی پایایی متغیرها:

فرض ابتدایی در تجزیه و تحلیل‌های اقتصادسنجی هنگام استفاده از داده‌های سری‌های زمانی^۱، پایایی^۲ تمامی متغیرهای موجود در مدل می‌باشد، لذا در صورت نقض این فرض، نتایج برآوردهای سنتی اقتصادسنجی و استنتاج براساس آزمون‌های آماری متعارف مورد تردید خواهد بود. علاوه بر این، پدیده رگرسیون کاذب^۳ نیز به‌عنوان یکی از مشکلات مطرح می‌باشد لذا جهت اجتناب از چنین مشکلی، بررسی پایایی متغیرهای الگو قبل از برآورد مدل ضروری می‌باشد.

در این تحقیق برای تعیین پایایی سری‌های زمانی از آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته (ADF) استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۱) نشان می‌دهد تمامی متغیرهای موجود جمع‌بسته از درجه یک^۴ $I(1)$ می‌باشند. لذا شرط لازم برای انجام آزمون همجمعی^۵ وجود خواهد داشت.

-
- 1 - Time Series
 - 2 - Stationarity
 - 3 - Spurious
 - 4-First Integration
 - 5-Cointegration

جدول (۱) نتایج بررسی پایایی متغیرها؛ آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته

تفاضل اول		سطح		متغیرها
آماره	بحرانی	آماره	بحرانی	
-۶/۲۶	-۲/۹۶	-۳/۱۵	-۳/۵۸	g
-۵/۸۶	-۲/۹۶	-۲/۳۹	-۳/۵۸	r
-۷	-۲/۹۶	-۱/۷۷	-۳/۵۸	rd
-۴/۰۹	-۲/۹۶	-۱/۸۷	-۳/۵۸	S_1
-۴/۴۷	-۲/۹۶	-۱/۴۸	-۳/۵۸	S_2
-۶/۰۴	-۲/۹۶	-۳/۰۱	-۳/۵۶	p

ماخذ: یافته‌های تحقیق - سطح معنی داری ۵ درصد است.

برآورد مدل

با توجه به این که تمامی متغیرهای موجود در رابطه (۱) پس از بررسی پایایی از طریق آزمون دیکی - فولر جمع بسته از مرتبه یک شناخته شده اند لذا رابطه (۱) با روش OLS تخمین زده شده که الگوی برآورد شده به صورت زیر می‌باشد:

$$g_t = 0/76 - 0/0005_1 r_t + 0/0002 r_t d_t + 0/0007 P - 0/0003 S_{1t} - 0/01 S_{2t} + U_t$$

$$R^2 = .78 \quad D-W = 1.67 \quad (2)$$

نتایج حاصل از برآورد نشان می‌دهد که تمامی ضرایب به جزء تورم از نظر آماری معنی دار هستند و ضریب R^2 نیز ۰/۷۸ بوده و بیانگر توضیح دهندگی تقریباً خوب الگو است. افزایش در نسبت مالیات مستقیم به غیر مستقیم و نرخ ثبت نام در مدارس ابتدایی و متوسطه ضریب جینی را کاهش داده و تنها افزایش در نرخ مالیات مستقیم به تولید ناخالص داخلی است که ضریب جینی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، برآوردها نشان دهنده آن است که در بلندمدت، تورم تغییری در ضریب جینی ایجاد نمی‌کند

آزمون همجمعی

برای بررسی وجود رابطه همجمعی بین مجموعه سری‌های زمانی (وجود شرط کافی) موجود در الگوی مورد بررسی از آزمون‌های انگل - گرنجر (EG) و انگل گرنجر تعمیم یافته (AEG)^۱ استفاده شده است. آزمون‌های مزبور به این نحو است که در ابتدا جملات پسماند مدل را از طریق برآورد رابطه (۱) به دست می‌آوریم، سپس با آزمون‌های دیکی - فولر (DF) یا دیکی - فولر تعمیم یافته (ADF) ناپایایی این جملات را آزمون می‌کنیم. آماره حاصل از آزمون مزبور در سطح معنی داری ۵ درصد (۴/۴۵-) است که به اندازه کافی از مقدار بحرانی آن (۲/۹۶-) بزرگتر می‌باشد که این خود پایا بودن جمله پسماند مدل یعنی شرط کافی وجود رابطه همجمع بین سری‌های موجود را نشان می‌دهد.

الگوی تصحیح خطا^۲

الگوهای تصحیح خطا (ECM) به دلیل اینکه نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت متناظر ارتباط می‌دهند، از شهرت بسیاری در کارهای تجربی برخوردارند. اثبات وجود همجمعی بین مجموعه متغیرهای مورد بررسی در مدل، امکان استفاده از این الگوها را فراهم می‌نماید.

در حالت معمول برای تصریح الگوی تصحیح خطا کافی است که پسماندهای مربوط به رگرسیون رابطه بلندمدت با یک وقفه زمانی به عنوان متغیر توضیح دهنده در کنار تفاضل مرتبه اول دیگر متغیرها قرار گیرد و ضرایب الگو با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی برآورد گردد. الگوی تصحیح خطا برای مدل مورد نظر در این تحقیق به صورت زیر است:

$$\Delta g_t = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta r_t + \alpha_2 \Delta(r_t d_t) + \alpha_4 \Delta p_t + \alpha_3 \Delta S_{1t} + \alpha_4 \Delta S_{2t} + \lambda U_{t-1} + V_t \quad (2)$$

که در آن λ ضریب جمله تصحیح خطا^۳، بیانگر سرعت تعدیل به سمت تعادل است و از نظر علامت منفی است.

نتایج حاصل از برآورد نشان می‌دهد که اکثر ضرایب از نظر آماری بی‌معنی بوده که ضریب ۴/۵ $R^2 = 0$ نیز بیانگر توضیح دهندگی تقریباً پایین الگو است. علاوه بر این، ضریب جمله تصحیح خطا

1-Engle - Granger & Augmented Engle - Granger Test

2-Error Correction Model

1-Error Correction Term

(ECT) یا به عبارتی سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت $0/38$ درصد و مثبت می‌باشد که این بیانگر عدم وجود رابطه کوتاه مدت و تعدیل عدم تعادل می‌باشد.

نتیجه گیری

به طور خلاصه در این تحقیق برای بررسی اثر مالیات بر توزیع درآمد از یک مدل خطی استفاده شده است. مدل مزبور به دو شکل بلندمدت و کوتاه مدت با داده‌های سال‌های (۵۵-۱۳۸۴) برآورد شده است. نتایج حاکی از آن است که در ایران رابطه کوتاه‌مدتی برای تأثیرگذاری مالیات بر ضریب جینی وجود ندارد. با این وجود نتایج حاصل از برآورد بلندمدت مدل تقریباً قابل قبول و مقدار $R^2=0/78$ نیز این موضوع را تأیید می‌کند. علاوه بر این موارد زیر شایان توجه می‌باشد:

۱. افزایش یک درصدی در نرخ مالیات مستقیم به غیر مستقیم ضریب جینی را به طور جزئی یعنی $0/005$ درصد کاهش می‌دهد. بنابراین، مالیات در توزیع دوباره درآمد تأثیر کمی دارد که با توجه به ساختار مالیاتی ایران این نتیجه دور از انتظار نیست.
۲. توزیع مجدد سیستم مالیاتی نه تنها به ساختار مالیاتی بلکه به اندازه نسبت درآمد مالیاتی به محصول ناخالص داخلی نیز وابسته است (رابطه معکوس). از این رو، در تحقیق حاضر نیز این واقعیت در نظر گرفته شد که برآورد تأثیر مثبت بر ضریب جینی رانشان می‌دهد.
۳. همانند سایر مطالعات انجام شده در زمینه توزیع درآمد، سطح عمومی قیمت‌ها در بلندمدت تغییری در ضریب جینی ایجاد نمی‌کند.
۴. عدم وجود رابطه کوتاه‌مدت بین متغیرهای معرفی شده در این مدل بیانگر این است که در کوتاه‌مدت عوامل دیگری بر توزیع درآمد مؤثر می‌باشند.

منابع و مأخذ:

- ۱- پژوهان، جمشید. "اقتصادبخش عمومی (مالیات ها)". تربیت مدرس ۱۳۸۰.
- ۲- رنگریز، حسن و ورشیدی، غلامحسین. "مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت"، شرکت چاپ و نشر بازرگانی ۱۳۸۳.
- ۳- طیبیان، محمد. "اقتصاد/ایران"، موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه ۱۳۷۸.
- ۴- "فقر در ایران". سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. ۱۳۸۴.
- ۵- "تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک"، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی. ۱۳۸۲.
- ۶- "نابرابری درآمدی، اندازه دلایل و اثرات آن در ایران"، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد ۱۳۸۲.